

ترکیه و روسیه فعالترین نقش در قفقاز جنوبی، در غیاب ایران

سرویس روسیه/خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس روسیه :

محمد رضا مهران

روسیه و ترکیه همچنان فعالترین نقش را در قفقاز جنوبی ایفا می کنند.

چندی پیش سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در این خصوص در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با احمد داووداقلو – همتای ترک خود – اعلام کرد.

لاوروف گفته است: "ترکیه و روسیه وضعیت قفقاز را بررسی می کنند و پیشنهادهای جامع در رابطه با حل و فصل مناقشات کل خاورمیانه ارائه می کنند." وی افزوده است که طی

سفر احمد داووداقلو نیز روسیه و ترکیه آینده ابتکار ترکی ایجاد "پلتافورم امنیت و ثبات قفقاز" را که مورد حمایت روسیه می باشد، مورد بررسی قرار داده اند.

پس از فروپاشی شوروی و متعاقب آن استقلال کشورهای قفقاز جنوبی (ارمنستان، آذربایجان و گرجستان)، قدرت های فرامنطقه ای سیاست های بسیار متفاوتی را در قبال کشورهای جدید در منطقه به اجرا گذاشتند و بدنبال آن معادلات امنیتیجهانی، بر اساس نظام منطقه ای شکل گرفت. بر اساس این مدل کشورهایی که از لحاظ فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در منطقه خاصی دارای نفوذ گسترده و پایداری بودند، میتوانند به عنوان اهرم ثبات بخش در معادلات منطقه ای ایفا نقش می کنند و نقش آنها نیز از سوی نظام بین الملل به عنوان محور نظام منطقه ای پذیرفته می شد. بر این اساس در منطقه قفقاز، رقابت بین سه بازیگر کلیدی منطقه یعنی روسیه، ایران و ترکیه آغاز شد که سرانجام با پذیرش الگوی روسیه به دلایل خاص سیاسی، امنیتی و اقتصادی به پایان رسید.

روسیه به عنوان مهمترین قدرت منطقه ” ای همواره منافع تعریف شده ” ای در منطقه قفقاز دنبال می کند.

بی ” ثباتی در قفقاز جنوبی می ” تواند به بی ” ثباتی در منطقه قفقاز شمالی منجر شود، به این دلیل روسیه ” خواهان برقراری ثبات داخلی در کشورهای قفقاز می باشد چون قفقاز به منزله حیات خلوت روسیه می باشد، اما در عین حال در پاره ” ای از موارد، روسیه به تولید ناامنی در منطقه در چارچوب سیاست ” های خود می پردازد.

حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز با توجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی... با کشورهای این منطقه می تواند حضور قدرت های فرامنطقه ای را کاهش دهد، که این مهم با منافع روسیه هم سو است زیرا عملاً ایران و روسیه در منطقه قفقاز سیاستی هم سو را دنبال می کنند. از جمله کشور های قفقاز جنوبی جمهوری آذربایجان می باشد علاوه بر این آذربایجان تنها جمهوری قفقاز کوچک است که در کنار دریای خزر واقع شده و مرزهای مشترک دریایی با ایران دارد. هر دو کشور به لحاظ تاریخی و فرهنگی و مذهبی، اشتراکات فراوانی دارند.

با وجود این مشترکات روابط ایران با جمهوری آذربایجان هنوز با موانع جدی روبرو است. بخشی از این موانع به سیاستهای داخلی دو کشور مربوط می شود و بخش دیگر تحت تاثیر قدرتهای منطقه و خارج منطقه است.

از جمله این موانع می توان به نقش آمریکا و رژیم صهیونیستی اشاره کرد. آمریکا مایل نیست تا زمانی که مشکلات تهران – واشنگتن حل نشده است ایران بتواند مناسبات خود را با آذربایجان گسترش دهد.

پس از استقلال جمهوری آذربایجان؛ علیرغم مخالفتهای مردم مسلمان این کشور روابط سیاسی رژیم صهیونیستی و دولت باکو برقرار گردید. به اعتقاد کارشناسان یکی از مهمترین اهداف اسرائیل از اعمال سیاست ارتباط با کشورهای مسلمان نشین مخصوصاً جمهوری آذربایجان؛ از بین بردن حساسیتهای موجود در جهان اسلام نسبت به ایجاد ارتباط با این رژیم و محدود نمودن جبهه مقابل خود بوده است. اسرائیل طی سالهای گذشته با انجام فعالیتهای اقتصادی و فرهنگی سعی در کم نمودن احساسات ضد صهیونیستی مردم جمهوری آذربایجان داشت و از حدود دو سال قبل به این باور غلط رسیده بود که مردم جمهوری آذربایجان نیز همچون دولت باکو اسرائیل را به عنوان یک کشور مشروع به رسمیت شناخته اند و لذا تلاشهای بیشتری برای گسترش روابط همه جانبه سیاسی، اقتصادی و امنیتی از خود نشان می دهند که افزایش سفرهای متقابل هیاتهای عالیترتبه باکو و تلاویو و نیز برگزاری کنگره آذریهای جهان در کنیه اسرائیل نشانه هایی از تلاشهای پیش گفته می باشند.

روابط اسرائیل و آذربایجان با سفر شیمون پرز رئیس جمهور اسرائیل در هفتم تیر ماه سال جاری به اوج خود رسید و شیمون پرز و دولت الهام علی اف دو سند همکاری امضا کردند.

این اسناد که بر گسترش همکاری های اسرائیل و جمهوری آذربایجان در زمینه های فرهنگی، آموزش علوم، همکاری های رسانه ای و فن آوری اطلاعات تاکید داشت.

این در حالی است که رژیم اسرائیل و دولت باکو حجم مبادلات تجاری خود را به بیش از سه و نیم میلیارد دلار در سال افزایش داده اند.

توجیه روابط اسرائیل با آذربایجان به عنوان عکس العمل آذربایجان در قبال روابط ایران و ارمنستان بنا به دلایل ذیل توجیهی باطل و بی اساس می باشد.

روابط ایران و جهان ارمنی ها به دوران پیش از اسلام برمی گردد و برای قرن ها با حضور طولانی مدت جامعه ارمنی در ایران، آشکار شده است. شمار ارمنی های ساکن ایران از زمان انقلاب اسلامی روبه نقصان گزرده است، اما هنوز آنان مهم ترین اقلیت مسیحی ایران را تشکیل می دهند.

روابط ایران و ارمنستان بر خلاف آنچه محافل آذری تبلیغ می نمایند، قابل مقایسه با روابط ایران و آذربایجان نیست، در حالی که روابط ایران و آذربایجان در آستانه رسیدن به سقف یک میلیارد دلاری باشد روابط ایران با ارمنستان در حدود کمتر از سیصد میلیون دلار بر آورد می گردد.

در این میان ترکیه و ارمنستان نیز پس از نزدیک به یک و نیم دهه قطع روابط که در پی تنش نظامی میان آذربایجان و ارمنستان اتفاق افتاد، عزم خود را برای از سرگیری روابط جزم کرده اند. در این بیش مشکلات مختلفی از جمله مخالفت های داخلی در دو کشور، مخالفت دولت و مردم آذربایجان و اختلاف نظر طرفین در باب برخی موضوعات این روند را با مشکلاتی همراه کرده است. با این وجود، مقامات آنکارا و ایروان بارها تمایل خود را به عادی سازی روابط ابراز داشته اند و قدم هایی نیز برداشته اند.

در صورت عادی سازی روابط ترکیه و ارمنستان و با گشایش مرز بین دو کشور ممکن است نفوذ روسیه بر ارمنستان شدیداً کاهش یابد. امکان گشایش مرز، امتیاز مثبتی است که آنکارا به ایروان در معامله بزرگی پیرامون قره باغ پیشنهاد می دهد و بدین ترتیب جای روسیه را بعنوان "حامی" اصلی حل در مسئله قره باغ تنگ می کند. مسکو چنین ابزاری ندارد. بویژه پس از جنگ ماه اوت که از بعد از آن هم در باکو، هم در ایروان و هم در آنکارا آشکارا از روسیه می ترسند. نقش و حضور قدرت های فرامنطقه ای بر این پیچیدگی معادلات در قفقاز افزوده است.

پایان پیام.